

تطبیق سند ۲۰۳۰ با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

عصمت نگین تاجی^۱، آیت اله کریمی^۲، اعظم نگین تاجی^۳، قاسم نیکنام^۴، سعید خفры^۵

^۱ دانش آموخته ی کارشناسی ارشد شیمی، گرایش تجزیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران، گچساران، ایران.

^۲ دانش آموخته ی کارشناسی ارشد الهیات فقه و مبانى حقوق دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، یاسوج، ایران.

^۳ دانش آموخته ی کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت برنامه ریزی دانشگاه پیام نور ممسنی، ممسنی، ایران.

^۴ دانش آموخته ی کارشناسی راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان شهید ایزد پناه، یاسوج ایران.

^۵ دانش آموخته ی کارشناسی معارف، دانشگاه فرهنگیان یاسوج، یاسوج ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تطبیق سند ۲۰۳۰ با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین شده است. هدف این تحقیق، بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جهت چگونگی تربیت تمدنی – جهانی شهروند متعالی و فعال در سازمان آموزش و پرورش و تطبیق با سند ۲۰۳۰ است. در این پژوهش از روش مطالعات کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است. با مطالعه سند تحول بنیادین و اسناد بالادستی به ارزیابی مفاهیم پرداخته شده است. تحقق ارزش ها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت و تربیت تمدنی از مهمترین زیر ساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسانهای عالم، متمدن، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی تمدنی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق همه ی این اهداف در گرو، تحقق سند تحول بنیادین می باشد؛ گونه ای که با شناخت سایر تفکرات و اسناد از جمله سند ۲۰۳۰ بدنبال تربیت شهروند فعال و متعالی با اندیشه ی تمدنی بر اساس ساختار تربیتی زیست بوم فرهنگی ایران اسلامی باشیم. نتایج نشان می دهد؛ حیات طیبه ترسیم شده در سند تحول بنیادین، همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در برمی گیرد و شئون گوناگونی از جمله دینی،

مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی

Online ISSN: ۲۴۷۶-۴۴۷۷

دوره ۱۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

Print ISSN: ۲۵۳۸-۲۰۷۱

صفحات ۱۰۷۷-۱۰۵۳

www.irijournals.com

زیستی و بدنی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناوری و زیبایی شناختی و هنری دارد که می‌تواند به تربیت تمدنی – جهانی شهروند فعال و متعالی منجر شود تفاوت بنیادین با سند ۲۰۳۰ دارد.

واژه های کلیدی: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند ۲۰۳۰، شهروند فعال و متعالی با اندیشه ی تمدنی – جهانی

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نقشه راه، مسیر حرکت و چشم‌انداز آموزش و پرورش است که بر اساس فلسفه تربیتی برآمده از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی توسط صاحب‌نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت در ۸ فصل تدوین و تنظیم و طی ۱۵ جلسه در شورای عالی انقلاب فرهنگی از بهمن ۱۳۸۹ الی مهر ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید شده است. در مقدمه‌ی این سند اشاره شده است که «عرصه‌ی تعلیم و تربیت یکی از مهمترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه‌ی کشور و ابزاری جدی در راستای ارتقای سرمایه‌ی انسانی شایسته‌ی کشور در زمینه‌های گوناگون است و از این رو، تحقق آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی ایران همچون احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در بین‌الملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسانهای عالم، متقی و آزاده و خالق است و این تعلیم و تربیت باید بتواند "حیات طیبه"، "جامعه‌ی عدل جهانی" و "تمدن اسلامی-ایرانی" را تحقق بخشد ضرورت تدوین سند تحول عبارتست از: ۱- سخنان حکیمانه رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی-ایرانی و تدوین الگویی اسلامی-ایرانی برای تحول پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض عدم بنیان فکری آموزش و پرورش بر اساس فلسفه تربیتی برآمده از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی. ۲- به روز نبودن آموزش و پرورش با مسائل و نیازهای جامعه. ۳- پاسخگوی-قومی و محلی. ۵- نبودن به نیازهای حقیقی نسل آینده. ۴- کم‌توجهی به هویت اسلامی-ملی. ۵- الگوگیری از نظام آموزش و پرورش غرب و عدم تناسب با شرایط بومی کشور. ۶- عدم رضایت متربیان-والدین و حاکمیت از خروجی‌های آموزش و پرورش. ۷- کم‌توجهی به نقش‌ها و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی آموزش و پرورش و تأکید بر ابعاد خاصی از تعلیم و تربیت.

۱-۲- سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ یونسکو رؤسای دولتها، نمایندگان بلندپایه‌ی نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دستورکار توسعه پایا ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه‌ی بین‌المللی را در زمینه توسعه‌ی پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند. این اهداف توسط سازمان ملل تعریف شده‌اند و به عنوان اهداف جهانی برای توسعه پایا ترویج شده‌اند. اهداف توسعه پایا از ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ اجرا می‌شوند. این دستورکار، بر اصول کرامت و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، صلح، شمول اجتماعی و حفاظت و تنوع قومی، فرهنگی و زبانی و نیز بر مسئولیت مشترک و پاسخگویی استوار است. این بیانیه و برنامه‌ی عملی آن در ایران بنام سند ۲۰۳۰ یونسکو معروف شد.

۲- راهبردهای آموزشی و پرورشی سند ۲۰۳۰

در سند ۲۰۳۰، رویکردهای راهبردی بسیاری وجود دارد که اجمالاً می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱- پاسخگویی و اقدام دولت

برای ارزیابی و اجرای تعهدات و تضمین استقرار چارچوب‌های سیاست‌گذاری مستحکم سیاسی و قانونی که زیربنای تحقق آموزش ۲۰۳۰ است، دولت‌ها باید در زمینه بازبینی فعالیت‌ها در نظام آموزشی خود، فعالانه و به طور مشارکتی اقدام کنند. همچنین، دولت‌ها متعهد به بومی‌سازی اهداف جهانی آموزش، در چارچوب این سند و طراحی روش‌های ارزیابی در چارچوب فرایندی فراگیر، شفاف و کاملاً پاسخگو می‌باشند (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۵: ۱۹)

۲-۲- جذب افراد در حاشیه مانده

حذف تلاش نظام‌های آموزشی برای جذب افراد طرد شده یا در معرض خطر و در حاشیه مانده (همان، ص ۱۷۵). عبارت «افراد دارای سایر عقاید»؛ «افراد آسیب‌پذیر» و «در حاشیه مانده»، در تفاسیر نهادهای حقوق بشری، شامل بهائیت و فرق انحرافی و گروه‌های دارای گرایشات همجنس‌گرایانه می‌شود.

۲-۳- رویکرد جنسیتی

یکی از زیرمجموعه‌های بحث تساوی جنسیتی، محو کلیشه جنسیتی است که در بند ۲۰ چارچوب اقدام، صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است. در بخشی از این بند آمده است: دولت‌ها و سایر اعضای این سند باید سیاست‌ها، برنامه‌ها و محیط‌های آموزشی جنسیت محور را مد نظر قرار داده و موضوعات مربوط به جنسیت را در فرآیند آموزش دبیران و فرآیند نظارت بر محتوای برنامه درسی بگنجانند. همچنین باید هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و خشونت مبتنی بر آن را حذف کنند تا اطمینان حاصل شود که آموزش و یادگیری اثر برابری بر دختران و پسران و زنان و مردان داشته است. همچنین باید کلیشه‌های جنسیتی نیز حذف شوند و تساوی جنسیتی پیشروی نماید. کلیشه جنسیتی از منظر کمیساریای عالی حقوق بشر عبارت است از: یک دیدگاه کلی یا یک پیش فرض درباره ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی که باید از سوی زنان و مردان ایفا شود و یا نقشه‌هایی که از سوی آنان بر عهده گرفته شود. این کلیشه‌ها مانع زنان و مردان در به فعل رساندن توانایی‌ها، رسیدن به خواسته‌ها و تمایلات، انجام امور تخصصی و انتخاب سبک زندگی دلخواه شان می‌شود (جاویدان، ۱۳۹۷: ۹۸). بنا بر این تعریف، کمیساریای عالی حقوق بشر، هر آن چه پیش فرض یا تفکر نقش مدار انسان را رقم بزند؛ اعم از ایجاد نقش‌های هویتی همانند مادری، همسری، شوهری و ... نوعی کلیشه جنسیتی است؛ چرا که هر نقشی که مانع به فعل رساندن تواناییها، خواسته‌ها و تمایلات ایشان شود، مردود است. این مهم پیش از این در قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد بویژه در اسناد منتشرشده از دهه سازمان ملل برای زنان (۱۹۷۵-۱۹۸۵) مورد تأکید قرار گرفته شده بود و کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان نیز بدان اشاره کرده بود دقیقاً بر خلاف آنچه به عنوان نفی کلیشه‌های جنسیتی در پارادایم فکری سند ۲۰۳۰ بیان شده، هویت نقش مدار انسانها بویژه زنان در بستر خانواده و جامعه مورد اهتمام نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. از جمله آنکه در مقدمه سند منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی به این امر اشاره شده است: به جهت اشتراک زن و مرد در حقیقت انسانی، در بیشتر موارد زن و مرد در نظام حقوقی اسلام از حقوق و مسئولیت‌های یکسان برخوردار می‌باشند. تفاوت در حقوق و مسئولیت‌ها امری است که نشانه نده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی‌باشد و عمدتاً مولود عناوین حقوقی خاصی است که هر یک از زن و مرد به تناسب نقش‌های ویژه و بدل ناپذیر در خانواده پیدا می‌کند. (خروشی، ۱۳۹۶: ۲۵)

- تلاش دولت برای تضمین برابری جنسیتی: نظام‌های آموزشی باید برای حذف تعصب مبتنی بر جنسیت و تبعیض ناشی از سوگیری‌های فرهنگی و اجتماعی و وضعیت اقتصادی تلاش کنند (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، بی‌تا: ۳۶)

- تدوین سیاست‌هایی برای رعایت حقوق زنان و مردان: دولت‌ها باید در زمینه تدوین سیاست‌هایی که حقوق زنان و مردان در آن به درستی رعایت شده باشد و نیز فضاهای آموزشی و برنامه‌ریزی مرتبط با این سیاست‌ها اقدام کنند.

- حذف تبعیض و کلیشه‌های جنسیتی: باید در مسائل مربوط به جنسیت در حوزه آموزش ... تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت و خشونت در مؤسسات آموزشی را حذف کرد تا ضمانتی برای تأثیر برابر آموزش و یادگیری بر دختران، پسران، زنان و مردان و حذف کلیشه‌های مبتنی بر جنسیت و کمک به ترویج و پیشبرد برابری میان زنان و مردان باشد (همان: ۳۷).

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ... از طریق استفاده زودهنگام از آموزش، به ویژه توسط زنان و دختران و یادگیری بزرگسالان و همچنین ترویج فرصت‌هایی برای آموزش و تربیت جوانان و بزرگسالان در همه رده‌های سنی و از هر قشری، با هدف توانمندسازی آنان با عنایت ویژه به مسئله تساوی جنسیتی و حذف موانع جنسیتی و نیز با توجه به اقشار آسیب‌پذیر (هدف ۳-۴؛ کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۲۸)

- هدف از آموزش، ریشه‌کنی نابرابری‌های جنسیتی و تضمین دسترسی برابر به همه مقاطع آموزشی برای اقشار آسیب‌پذیر تا سال ۲۰۳۰ (هدف ۵-۴).

- توجه ویژه به هنجارهای جنسیتی، به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری پیشرفت، لازم است تا تلاش بیشتری برای دستیابی به آن انجام شود. دختران نوجوان و زنان جوانی که ممکن است در برابر خشونت مبتنی بر جنسیت، ازدواج در سنین کودکی، بارداری زودرس و بار سنگین کارهای منزل قرار گیرند، و همچنین دختران نوجوان و زنانی که در نواحی فقیرنشین و دورافتاده روستایی ساکن هستند، به توجه ویژه نیاز دارند (همان: ۱۶۱)

- اتخاذ سیاست‌های مقابله با خشونت‌های جنسیتی: برای تضمین تساوی جنسیتی در برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی، نیازمند ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری در اجرا، پایش، ارزیابی و پیگیری برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی هستیم. به همین منظور، تضمین امنیت شخصی زنان و دختران در مسیر رفت و برگشت آنها از مدرسه و مؤسسات آموزشی به منزل و ... حذف خشونت جنسیت‌محور در مدارس، لازم است سیاست‌هایی برای مقابله با همه اشکال خشونت و سوءاستفاده جنسی تنظیم شود (همان: ۲۹-۳۱ و ۲۶۸).

۲-۴- اصلاح و بازبینی نظام آموزشی، محتوای کتب درسی و تربیت معلم

- تضمین بازبینی کتاب‌های درسی ...، همچنین آموزش معلمان و نظارت بر فعالیت‌های آنان توسط دولت‌ها، به نحوی که موارد یاد شده باید عاری از هرگونه کلیشه جنسیتی باشند و در ترویج تساوی جنسیتی، عدم تبعیض، حقوق بشر و آموزش بین فرهنگی مؤثر واقع شوند (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۸-۲۹-۵۹)

- از آنجاکه معلمان از پایه‌های اساسی تحقق و تضمین آموزش با کیفیت به شمار می‌آیند، لازم است برای توانمندسازی، استخدام نیروهای کافی، تأمین حقوق مناسب و مکفی، ارتقای مهارت‌های آنها و نیز حمایت از آنان در قالب نظام‌های آموزشی مؤثر، کارآمد و مجهز تلاش شود (همان، ۳۴۹؛ هدف: ۴ج)

تدوین راهبردهای جنسیت‌محور برای جذب و جلب با انگیزه‌ترین افراد علاقه‌مند به حرفه معلمی و تضمین انتقال معلمان به مناطقی که به وجودشان نیاز بیشتری وجود دارد. لازمه این کار، سیاست‌گذاری و وضع قوانینی است که حرفه معلمی را برای

نیروهای انسانی موجود و آینده جذاب می‌کند. این کار، از طریق بازبینی، واکاوی و بهینه‌سازی کیفیت آموزش معلمان میسر است (همان)

- بازنگری مواد درسی، با هدف تضمین کیفیت و ارتباط آن با محتوا، مهارت‌ها، ظرفیت‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و جنسیت (همان: ۲۹ و ۵۹)

- سیاست‌گذاری‌ها باید در راستای دگرگون ساختن نظام‌های آموزشی انجام شوند (همان)

- ارائه بورس در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و نظام‌های پژوهشی در کشورهای در حال توسعه، به منظور فراهم آمدن امکان ادامه تحصیل زنان و دختران در حوزه‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات لازم است که توجه ویژه‌ای در این زمینه به عمل آید (همان: ۳۴؛ هدف: ۴ب)

- افزایش قابل توجه معلمان واجد شرایط، از جمله از طریق تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای تربیت معلم در کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۳۰ (هدف ۴-ج)

۲-۵- ایجاد محیط آموزشی امن

- تدوین و اجرای سیاست‌های جامع، چندوجهی و منسجم جنسیت‌محور... و ترویج هنجارها و نظام‌هایی برای تضمین امنیت مدارس و به دور ماندن آنها از خشونت (هدف ۴-الف)

- باید دولت‌ها محافظت از مؤسسات آموزشی را به‌عنوان یک محل آرام و به دور از خشونت تضمین کنند. ضمن اینکه حفاظت از مدارس به‌عنوان یک فضای آزاد و عاری از هرگونه خشونت جنسیتی علیه دختران و پسران الزامی است (همان، ص ۲۹۶؛ هدف: ۴ الف).

۲-۶- آموزش جامع جنسیتی

از دیگر اصطلاحات کلیدی سند ۲۰۳۰، میتوان به مسأله آموزش جامع جنسیتی^۱ اشاره نمود. این اصطلاح به معنای اطلاعات دقیق علمی راجع به رشد انسانی، آناتومی بدن و بهداشت باروری است و همچنین مشتمل بر اطلاعاتی راجع به پیشگیری از بارداری، زایمان و بیماری‌های آنچه سبب نگرانی از لزوم آموزش چنین محتوایی در مدارس میشود، عبارت است از نادیده گرفتن اقتضائات سنی، شخصیتی - روانی و جسمی کودکان و نوجوانان و ارائه این اطلاعات بصورت فراگیر و در منظومه آموزش برابر و مادام‌العمر به همگان! مجموعه آموزش‌های سازمان ملل در رابطه با آموزش جامع جنسیتی به کودکان با موضوعاتی نظیر ترویج سقط جنین بهداشتی! گرایش‌های جنسی (به رسمیت شناختن دگرباشان جنسی) و سایر موضوعات در آدرس الکترونیکی قابل ملاحظه است. و عضو مدیر عامل مؤسسه بین‌المللی دیده بان خانواده شارون اسلاتر، این مسأله را به خوبی موشکافی کرده انجمن حقوق خانواده سازمان ملل متحد، است. وی معتقد است آموزش جامع جنسیتی یکی از بزرگترین نقض‌های بین‌المللی در قبال سلامت و منافع کودکان است که با اصرار فراوان کشورهای توسعه یافته و همکاری سازمان ملل در اهداف فرعی سند ۲۰۳۰ گنجانده شده است. این اصطلاح، نه تنها آموزش سنتی - که رفتار نرمال و سالم جنسی را آموزش میداد - را نقض می‌کند، بلکه با بیان مطالب صریح و بی‌پرده، رفتارهای جنسی پرخطر و بی‌قاعده را به کودکان می‌آموزد. غایت نهایی این برنامه، تغییر هنجارهای جنسی و جنسیتی و

^۱ Education Sexuality Comprehensive -

بزعم نویسندگان سند ۲۰۳۰، تغییر سبک زندگی به سمت زندگی پایدار و محو کلیشه‌های جنسیتی است. نکته تأسف بار آن است که سکندار و پرچمدار اصلی این قبیل آموزشها، سازمانها و نهادهای بین‌المللی هستند. سازمان بهداشت جهانی استانداردهای آموزش جنسی به کودکان را چنین تشریح کرده است: از زمان نوزادی تا سن ۴ سالگی، آموزش رفتارهای جنسی شخصی، از ۴ تا ۶ سالگی، آموزش در مورد هنجارهای مختلف پیرامون تمایلات جنسی، از ۶ تا ۹ سالگی، آموزش در مورد شیوه‌های مختلف پیشگیری از بارداری و ابراز علاقه به همجنس، از ۹ تا ۱۲ سالگی، آموزش راجع به لذت جنسی و حقوق جنسی، از ۱۲ تا ۱۵ سالگی، آموزش در مورد گرایش جنسی و هویت جنسیتی، از ۱۵ سال به بعد، آموزش در رابطه با دیدگاههای انتقادی پیرامون هنجارهای مذهبی و فرهنگی گوناگون و احترام به تفاوت‌های جنسی (همان). اگرچه موارد مذکور جنبه توصیه‌ای دارند، اما به خوبی گویای جهت‌گیری سازمانهای بین‌المللی در زمینه آموزش جنسی یکپارچه و همگانی در اسنادی نظیر سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو می‌باشند. باید یادآور شد که از جمله مؤلفه‌های اساسی آموزش جامع جنسیتی عبارت است از: بهداشت باروری و جنسی برای کودکان و نوجوانان که دستیابی به آن در منظومه اسناد توسعه پایدار، از جمله شاخصهای تعیین توسعه یافتگی کشورها تلقی میشود. این مسأله تلویحاً در بند ۱-۴ گزارش گروه متخصصان و آژانس قید شده است.

۲-۷-خشونت

از دیگر کلیدواژه‌های چالش برانگیز سند ۲۰۳۰ آموزش، تأکید بر محو کلیه مفاهیم مرتبط با خشونت^۱ از سیستم آموزشی است. در بند ۷ از هدف ۴ ذکر شده که تمامی یادگیرندگان باید دانش و مهارت لازم برای پیشبرد توسعه پایدار و در کنار آن سبک زندگی پایدار و آموزش حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ارتقای فرهنگ صلح و مقابله با خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی را بیاموزند. در پاراگراف ۲۰ بیانیه اینچئون یکی از دستاوردهای مقابله با تبعیض و خشونت، محو کلیشه‌های جنسیتی و ایجاد تساوی جنسیتی است. در پاراگراف ۵۴ چارچوب اقدام، مصادیق بیشتری از خشونت مطرح شده است. از منظر سند ۲۰۳۰ آموزش، ازدواج کودکان، بارداری زود هنگام و برعهده گرفتن وظایف خانه داری در سنین کودکی از جمله مصادیق خشونت جنسیتی هستند. البته سند به این مسأله نمی‌پردازد که چگونه از یکسو آموزش جنسی و آزادی روابط جنسی در کودکی را مجاز می‌شمرد و از سوی دیگر، چارچوب قانونی و شرعی بخشیدن به آن (ازدواج تا پیش از ۱۸ سال بنا بر مصلحت کودک) را خشونت می‌انگارد. در واقع ضابطه و ملاک مواجهه سند با این مسأله از منطقی دوگانه پیروی میکند. بنظر میرسد آموزش جنسی به کودکان در سنین نامناسب و بیداری زود هنگام شهوت در ایشان از مصادیق خشونت علیه کودک و بر خلاف مصلحت عالیه وی باشد. علاوه بر مؤلفه‌های چالش برانگیز فوق که وجه محتوایی سند ۲۰۳۰ را نمایان می‌سازد، بایستی به این امر توجه داشت که اسناد حقوق بشری جدید، سازوکار منحصر به فردی در فضای بین‌الملل رقم زده اند که ضمن ایجاد چالش برای برخی کشورها، نحوه رویارویی و مواجهه با آنها متفاوت است.

^۱ Violence -

۲-۸- غلبه‌ی دیدگاه بشرمحوری بر ندوین سند ۲۰۳۰

بند پنجم بیانیه اینچئون به صراحت از غلبه و تسلط دیدگاه و آموزه‌های بشرگرایانه سخن به میان آورده است. دیدگاه و رویکرد بشری^۱ رویکرد فلسفی غرب در مواجهه با حوزه‌های مختلف دانش از جمله حقوق و اخلاق و سیاست است. بر پایه دیدگاه بشرمحور و دیدگاه اومانستی، خواست و اراده انسان، متعالی‌ترین مرجع تعیین اهداف جامعه انسانی است. به همین مناسبت، با تغییر نیازها و خواسته‌های انسان، حقوق و اخلاقیات وی نیز تغییر می‌یابند (تونی، ۱۳۷۸: ۲۸) در نقطه مقابل، دیدگاه اسلام و تمامی ادیان آسمانی بر محوریت خالق و تعریف سایر مناسبات عالم بر گرد وی است. دین مبین اسلام جامعه متعالی انسانی را، نه بر پایه خواست و اراده متحول و متغیر بشر، بلکه بر پایه نیازهای طبیعی و فطری وی و همچنین مصلحت خاصه پروردگار تعیین و تبیین مینماید (مقدمی، ۱۳۹۱: ۴۲) بر همین سبیل، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در بند ۱ و ۲ اصل دوم خود مقرر می‌نماید: جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین که از راه: الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرائط بر اساس کتاب و سنت معصومین (سلام الله علیهم اجمعین). ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها. ج) نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین میکند. در این مدل اختصاصی شارع مقدس تبیین‌کننده و تعیین‌کننده حقوق و تکالیف جامعه انسانی است و نمیتوان هر اراده و خواست نامشروعی از انسان را محور حقوق و تکالیف وی دانست. به علاوه آنکه ترجیح رویکرد بشری موجب نقض قاعده نفی سبیل را فراهم میکند و ترجیح نامشروعی بر ارزشها و موازین اسلامی محسوب میشود که نه بر اساس نظام هنجاری جمهوری اسلامی ایران و نه بر مبنای عقل عرفی صیانت از منافع ملی قابل پذیرش نیست. این مسأله نقطه آغازین اختلاف منش و رویکرد میان سند آموزش ۲۰۳۰ با اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران را به خوبی نشان میدهد. در واقع این تفاوت رویکرد و دیدگاه، دو مدل تربیتی و آموزشی مختلف را برمیتابد که نمیتوانند در محتوا سازگار باشند. به دیگر سخن، در مدل بشرگرایی غربی که سند ۲۰۳۰ بدان اذعان نموده باید حقوق بشر مبتنی بر محوریت بشر و خواست وی تبیین و محافظت گردد؛ در حالی که در مدل تربیتی اسلامی و قوانین تابع آن بویژه در مقدمه، بند ۶ اصل دوم و اصل پنجاه و انسان متعالی تابع احکام الهی است، ۲۳ ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصلحت پروردگار را پذیرفته و در راستای اعتلای روحی و جسمی خود گام بر میدارد. مدل تربیتی مورد نظر نظام اسلامی علاوه بر قانون اساسی، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز منعکس شده است. یکی از گزاره‌های اساسی تربیتی نظام جمهوری اسلامی ایران در بند ۹ بیانیه ارزشهای سند تحول، چنین مقرر شده است: گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از: ۹. کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلمستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری.

¹- Vision Humanistic

۲-۹- تساوی جنسیتی

دومین کلیدواژه اختصاصی سند توسعه پایدار و همچنین سند آموزش ۲۰۳۰، موضوع تساوی جنسیتی^۱ است. این اصطلاح در بندهای ۷ و ۸ یانیه اینچئون و همچنین صفحه ۲۵ چارچوب اقدام سند، به صورت مبسوط مطرح شده است. در صفحه ۲۵ سند چارچوب اقدام آمده است که: «وقتی سند از عدم نادیده گرفتن حتی یک نفر سخن می‌آورد، بدین معنا سن، نژاد، رنگ، قومیت، زبان، ۲۴ است که همه افراد فارغ از جنسیت، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشای ملی یا اجتماعی، مالکیت و و همچنین افراد دارای معلولیت، مهاجران، بومیان، کودکان و جوانان ۲۵ تولد بویژه افراد در معرض شرایط آسیب‌پذیر و سایر وضعیت‌ها باید در این چارچوب یکسان باشند. همچنین در ادامه بند ۵ در همان صفحه متذکر می‌شود که: «دستورالعمل آموزشی ۲۰۳۰ یک سند جهانی است که به همه جهان تعلق دارد و در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باید یکسان باشد». بنابراین، هرگونه تفکیک کمی و کیفی در امر آموزش از هر نظر می‌تواند تبعیض قلمداد شود و همه موانع موجود تا سال ۲۰۳۰ میلادی باید از میان برداشته شود؛ به علاوه دستیابی به هدف چهارم توسعه پایدار و سایر اهداف آن برای همه کشورها یکسان است و نمیتوان به بهانه توسعه نیافتگی و عدم وجود زیرساخت یا تعارض قانونی و ... از زیر آن شانه خالی نمود (رابرتسون، ۱۳۹۰: ۱۷۰) در ادامه، در انتهای بند ۱۰، چارچوب اقدام تعریف خود از تساوی جنسیتی را روشن می‌سازد تساوی جنسیتی، ارتباطی جدایی‌ناپذیر با حق آموزش برای همگان دارد. دستیابی به تساوی جنسیتی متضمن اتخاذ رویکرد حق محوری است که نه تنها دسترسی کمی زنان و دختران را بطور مساوی با مردان و پسران تضمین می‌کند، بلکه این تساوی را در درون آموزش و از طریق آن قدرتمند می‌سازد. بند ۲۰ چارچوب اقدام اضافه می‌کند: «سیستم‌های آموزشی بمنظور تضمین تساوی جنسیتی باید صراحتاً در جهت محو تعصبات و تبعیضات جنسیتی ناشی از باورها و رویه‌های فرهنگی - اجتماعی و وضعیتهای اقتصادی گام بردارند». «این عبارات گویای آن است که بحث از تساوی تنها یک مقوله کمی و مرتبط با تعداد نیست؛ یعنی به عبارت بهتر، سند ۲۰۳۰ یونسکو تنها در پی ایجاد تساوی در تعداد آموزندگان نیست، بلکه محتوای آموزشی را نیز بر مبنای این تساوی، تهیه و تنظیم می‌کند. برای روشن شدن این مطلب بهتر است نیم‌نگاهی به تفسیر یونسکو از آموزش داشته باشیم: یونسکو بر اساس بیانیه عمومی شماره ۱ خود در سال ۲۰۰۱ میلادی نسبت به بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک اعلام نمود که حق کودک بر آموزش، نه تنها ناظر بر دسترسی کمی وی به آن، بلکه ناظر به محتوا (آموزش کیفی) نیز می‌باشد. یونسکو بر این باور است که تحقق اهداف آموزشی توسعه پایدار تنها از طریق گنجاندن محتوای آموزشی بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک امکان‌پذیر است. (شکوهی، ۱۳۹۳: ۷۸) برخی از قسمتهای محتوایی این آموزش همانند ترویج مؤلفه‌های حقوق بشر غربی (همچون آموزش مفاهیمی نظیر جامعه آزاد) و همچنین تشابه حقوق زن و مرد در این کنوانسیون با برخی از احکام اسلامی در تضاد است و علیرغم آنکه جمهوری اسلامی ایران در زمان پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک از حق تحفظ (حق شرط) استفاده نموده، اما از سوی کمیته حقوق کودک به عنوان رکن ناظر و تفسیرکننده کنوانسیون، به نقض حقوق کودک محکوم شده است. در ادامه باید چنین اشاره نمود که تساوی جنسیتی مورد تأکید در سند ۲۰۳۰ به معنای تشابه تام و کامل دو جنس زن و مرد در کمیت و کیفیت آموزشی، بدون توجه به ویژگیهای منحصر به فرد زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و ... ایشان است. در نقطه مقابل، بند ۱۶ بیانیه ارزشی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از کلیدواژه عدالت تربیتی سخن می‌آورد و مقرر می‌دارد: «عدالت تربیتی در

¹- Equality Gender

ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور است». در واقع عدالت در بعد کمی ضرورت آموزش همگانی را تبیین میکند، اما از منظر کیفی متأثر از تفاوت‌های جنسیتی و انسانی است. (برخورداری، ۱۳۹۰: ۶۷)

۳- مواجهه جمهوری اسلامی ایران با سند ۲۰۳۰ با نگاهی به بیانات مقام معظم رهبری

سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو خود متشکل از دو سند؛ یعنی بیانیه اینچئون و چارچوب اقدام است. در دو سند یادشده عبارات و اصطلاحات مناقشه برانگیزی به عنوان اهداف و راهبردهای آموزشی مطرح شده اند که مروج ارزشهای اومانیستی، سکولاری و لیبرالی است و با منظومه فکری - عملی نظام اسلامی ایران در تضاد است. این موضوعات که در قالب سیاستگذاری و قانونگذاری منجر به نقض قاعده نفی سبیل خواهد شد، عبارت اند از:

با روشن شدن ساختار شکلی سند، حال می‌توان عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال این سند را بررسی کرد. مسأله مواجهه جمهوری اسلامی ایران با سند ۲۰۳۰ با دو رویکرد مختلف و متفاوت همراه بوده است. از یک سو نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در تمامی نشست‌ها و جلسات تهیه و تنظیم متن اسناد توسعه پایدار و آموزش ۲۰۳۰ حضور به هم رسانید و این سند با نظر مثبت نماینده ایران به امضا رسید و تنها به قید یک حق تحفظ کلی بسنده شد و از سوی دیگر، از منظر راهبردی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خامنه‌ای، پذیرش چنین سندی را یک حرکت معیوب دانسته و حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی را بواسطه عدم هوشیاری در این حوزه توبیخ نمود؛ ما یک چیزی راجع به این سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش گفتیم، خب حرفهای گوناگونی هم اطرافش زده شد. این مسأله، خیلی مسأله مهمی است؛ همینطور که ایشان (آقای پارسا) اشاره کرد، این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل - سند توسعه پایدار - است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است. در واقع آنچه اینها در این سند توسعه پایدار - که از جمله این سند ۲۰۳۰ هست - طراحی دارند می‌کنند و دست اندرکار هستند، این است که یک منظومه فکری و فرهنگی و عملی برای همه دنیا دارند جعل می‌کنند. این را چه کسی میکند؟ دستهایی پشت سازمان ملل وجود دارد. یونسکو اینجا یک وسیله است، یک ویتترین است، دستهایی نشسته اند، دارند برای همه چیز کشورهای دنیا و همه ملت‌ها یک منظومه تولید می‌کنند؛ منظومه‌ای که شامل فکر است، شامل فرهنگ است، شامل عمل است و این را دارند ارائه میدهند و ملت‌ها باید همه بر طبق این، عمل کنند. یک بخش آن هم بخش آموزش و پرورش است که همین سند ۲۰۳۰ است. خب این غلط است، این غلط است. اصلاً این معیوب است، این حرکت، حرکت معیوبی است... (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۳۱) حالا بعضی‌ها می‌آیند میگویند آقا، مثلاً فرض کنیم ما تحفظ داده ایم یا گفته ایم فلان چیزش را قبول نداریم، نه، بحث سر اینها نیست. فرض کنیم در این سند، هیچ چیز واضح بینی هم که مخالف با اسلام باشد، وجود نداشته باشد - که البته وجود دارد؛ آنهایی که خیال می‌کنند ما گزارش درست نگرفته ایم، نه، گزارش‌های ما گزارش‌های درستی است - حرف من این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته بشود، حرف من این است. (۱۳۹۶/۳/۱۷ : همان) در واقع اساس عملکرد دولت وقت، در پذیرش و اجرایی سازی سند ۲۰۳۰ با رویکرد اصلی نظام اسلامی در نفی سلطه طاغوت و نفی سبیل، متفاوت بود و همین امر، مواجهه کشور با سند مذکور را در دو قطبی قرار داد. مدافعان و بنیان امضای سند ۲۰۳۰ علیرغم مخالفت شدید رهبر انقلاب با پذیرش این سند، به حق تحفظ جمهوری اسلامی استناد می‌نمودند. در تحلیل اعمال این حق بر سند ۲۰۳۰ باید چند نکته حقوقی را متذکر شد: از نظر عهدنامه حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹، رزرویش) یک اعلامیه یکجانبه است

که هر کشور یا سازمان بین‌المللی در هنگام امضاء، تصویب، قبولی، تصدیق معاهده، تأیید رسمی یا الحاق به آن معاهده صادر می‌کند و بوسیله آن، منظور خود را در مورد مستثنی کردن یا تغییردادن اثر حقوقی برخی از مقررات آن معاهده اعلام میکند. این حق در مواد ۱۹ الی ۲۳ عهدنامه وین به صراحت بیان شده است. در زبان گلستانی و ادبیات حقوقی، بجای رزرویشن از اصطلاحاتی نظیر حق شرط، حق تحفظ، تحدید تعهد، شرط یا تحفظ استفاده می‌شود. اعمال این حق، شرایط خاص خود را دارد؛ طبق متن صریح ماده ۱۹ و بند ۳ ماده ۲۰ عهدنامه وین، حقوق معاهدات حق شرط فقط و تنها و منحصرأ بر معاهدات (اعم از قراردادی یا قانون ساز الزام آور؛ مانند کنوانسیون حقوق کودک، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و ...) و اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی (همانند سازمان بهداشت جهانی، یونسکو و ...) قابل اعمال است؛ آن هم در صورتی که چنین حقی در متن معاهده یا اساسنامه ذکر شده باشد و کشورهای طرف دیگر نیز بدان اعتراض نکرده باشند. بنابراین، بر روی قطعنامه‌های غیر الزام آور مجمع عمومی و سایر اسناد بین‌المللی مانند سند ۲۰۳۰ اساساً بی‌معنا است. با فرض پذیرش و قابلیت اعمال حق شرط بر سند ۲۰۳۰، باید سایر شرایط اعمال حق شرط را بررسی نمود. طبق بند ج ماده ۱۹ عهدنامه وین، شرط خلاف موضوع یا هدف معاهده باطل است. حال باید پرسید که آیا اعمال حق شرط از سوی ایران، خلاف موضوع یا هدف معاهده است؟ در پاسخ به این پرسش باید دو مسأله را ذکر نمود:

الف) حق شرط ایران بر سند ۲۰۳۰ دقیقاً همانند حق تحفظ کشور بر کنوانسیون حقوق کودک اعلام شده است که مقرر میدارد: دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد مقررات و موادی از کنوانسیون که ممکن است مغایر با شریعت اسلام باشد، اعمال رزرو مینماید و این حق را برای خود محفوظ میدارد که هنگام تصویب نیز چنین رزروی را اعمال نماید. این شرط، کلی و مبهم است؛ یعنی به مفاد یا مواردی خاص اشاره نکرده، بلکه کلیت کنوانسیون و سند را در حوزه‌هایی که خلاف شرع یا قانون بوده یا در آینده خلاف آن باشد را به کلی زیر سؤال برده است. کنوانسیون حقوق کودک از جمله معاهدات حقوق بشری است که نه تعهدات متقابل دولتها، بلکه تعهدات دولت نسبت به ملت و افراد را به نمایش میگذارد و هدف از این معاهدات، حمایت از حقوق افراد است. نظام حق شرط حاکم بر معاهدات حقوق بشری با سایر معاهدات متفاوت است. اعلام تحفظ بر کنوانسیون حقوق کودک از سوی ایران از جانب بسیاری از کشورهای طرف معاهده از جمله آلمان و حتی کمیته حقوق کودک مورد اعتراض قرار گرفته و فشار بین‌المللی بر برداشتن این حق شرط از سال ۲۰۰۵ میلادی همه ساله وضعیت حقوقی کشور را تضعیف میکند. ب) حتی اگر از کلی و مبهم بودن حق شرط ایران صرف نظر کنیم، باید هدف و موضوع سند ۲۰۳۰ آموزش را در نظر بگیریم و شرط ایران بر آن را بسنجیم. هدف چهارم سند توسعه پایدار که موضوع اصلی سند آموزش ۲۰۳۰ را تشکیل میدهد، آموزش کیفی برابر و مادام‌العمر است و موضوع آن رفع تبعیض جنسیتی و تغییر محتوای آموزشی مطابق با اهداف یونسکو است. از آنجا که اسناد حقوق بشری؛ اعم از کنوانسیونها و دستور کارها، اسنادی جهانی تلقی می‌شوند، نسبت میان اجرای قواعد آنها با فرهنگ‌های متکثر و متفاوت، بنا بر اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی تبیین شده است. مطابق با ماده ۴ اعلامیه جهانی، تنوع فرهنگی یونسکو که مقرر میدارد: «... هیچکس نباید از تنوع فرهنگی به عنوان ابزاری علیه حقوق بشر استفاده کند و یا دامنه کاربرد آن را محدود نماید، بخصوص با توجه به این مطلب که حقوق بین‌الملل متضمن اجرای حقوق بشر است». طبق نص صریح این ماده، حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی هرگز نمی‌تواند مانعی در اجرای حقوق بشر باشد. بنابراین، استناد ایران به تنوع فرهنگی و تفاوت‌های شرعی و قانونی هرگز مستمسک قابل پذیرش بین‌المللی در نقض تعهدات حقوق بشری آن از جمله حق بر آموزش کیفی نیست. با روشن شدن این مطلب می‌توان مدعی بود که اهداف توسعه پایدار از جمله هدف چهارم آن در آموزش کمی و کیفی آموزه

های حقوق بشر غربی، همگی از جمله قواعد جهانشمولی هستند که نمی‌توان به استناد تنوع و تفاوت فرهنگی ناقض آنها، از اجرای آن صرف نظر نمود. با این وجود، مصادیق طرح شده در این سند از جمله حقوق باروری و بهداشت جنسی، آموزش جامع جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی و ... اصطلاحاتی نوین در عرصه حقوق بشرند که همچنان فاقد الزام جهان‌یاند و باید تا پیش از تبدیل شدن آنها به عرف الزام‌آور و قاعده‌آمره، اجماع مخالفی را شکل داد. راه حل برون رفت از این چالش بین‌المللی برای کشورهایی نظیر جمهوری اسلامی ایران که از نظر ماهیت قوانین و مقررات در پارادایم متفاوتی به سر می‌برند، عبارت از عدم اجماع بر روی نقاط چالش‌برانگیز و ایجاد جبهه جدید با ادبیات مستقل بین‌المللی در این حوزه است. در غیر این صورت، نمی‌توان قاعده نفی سبیل را در این حوزه اجرا نمود و باید شاهد تصمیم‌گیری کفار و مستکبران در حوزه سیاستگذاری و قانونگذاری ملی در بخش آموزش بود. با توجه به این سازوکار نوین حقوق بشری که از قالب نرم برای تحقق اهداف استکباری بهره می‌برد، باید مدل نوینی از مواجهه را طراحی و پیاده نمود. در برابر اسناد هنجاری چون دستور کار و بیانیه، دیگر نمی‌توان به سلاح حق شرط تمسک جست؛ چرا که فارغ از محدودیتهای اجرایی آن، اساساً حق شرط راه‌چاره نیست. بستر رویارویی جمهوری اسلامی ایران با اسناد نوین حقوق بشر در زمین ایجاد گفتمان جدید و یارگیری جهانی و منطقه‌ای محقق می‌شود. با توجه به برنامه هوشمند و هدفمند رهبر معظم انقلاب در حفظ استقلال کشور و سرسپردن به منابع ارزشمند معنوی اسلام ناب در طراحی نظام آموزش رسمی عمومی کشور، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضمن مخالفت صریح در فرآیند نگارش و تصویب این قبیل اسناد، از حضور فعال و مؤثر خود در ایجاد جبهه جدیدی از کشورهای مخالف نظام غربی استفاده کرده و حتی الامکان رویارویی تمدنی خود با غرب فلسفی را در بعد «توسعه» با تقویت ادبیات و گفتمان «پیشرفت» پررنگ سازد. رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید: «خب ما از چند سال قبل از این آمدیم گفتیم «الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت»، بنده کلمه توسعه را هم عمداً بکار نبردم. آقایانی که مسؤول این کار هستند و از آن وقت، ما با اینها ارتباط داریم، میدانند، بنده عمداً گفتم کلمه توسعه را من بکار نمی‌برم؛ چون کلمه توسعه یک کلمه غربی است، یک مفهوم غربی دارد، من کلمه پیشرفت را بکار می‌برم، الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی. خب این‌الگو را برگردیم پیدا کنیم ... (همان، ۱۳۹۶/۳/۳۱)». همچنین ایشان در باب ارتباطات جهانی و تعامل با دنیا متذکر شده‌اند: «عزت یک ملت در سیاستهای گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولتها و قدرتها این است که از استقلال رأی برخوردار باشد. یک دولت، یک نظام در مقابل قدرتها آنچنان ظهور کند که نتوانند در هیچ مسأله‌ای اراده خودشان را بر او تحمیل کنند (همان، ۱۳۸۸/۳/۱۴)». بنابراین، راهبرد و نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با اسناد حقوق بشری از جمله سند ۲۰۳۰ بایستی مشتمل بر حضور مقتدرانه و مستقلانه در فضای بین‌المللی، ایجاد گفتمانهای نوین بر پایه نیازهای فطری مشترک انسانی و ایجاد جبهه جدیدی در برابر جبهه دشمن (شمشیری، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

۳-۱- پیامدهای پذیرش سند

برخی منتقدان سند ۲۰۳۰ بر این باورند که امضای این سند، به مثابه «برجام فرهنگی» است و پیامدهای خسارت‌باری برای نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. با نگاهی منصفانه، به نظر می‌رسد، پذیرش این سند و میثاق بین‌المللی، پیامدهایی به دنبال دارد که با مبانی فکری نظام اسلامی و آموزه‌های دینی به شدت در تضاد و تعارض می‌باشد. برخی از این پیامدها عبارتند از:

۳-۲- پذیرش میثاق بین‌المللی ۲۰۳۰، به‌عنوان سند بالادستی

با پذیرش سند ۲۰۳۰ یونسکو، این سند مقدم و به‌عنوان اسناد بالادستی کشورها تلقی شده است؛ یعنی اسناد کشور ما باید در همسویی با سند توسعه یونسکو اجرا شود. بر اساس تعهدی که داده شده است: ما باید SDG4 را به‌عنوان یک سند و میثاق بین‌المللی اصل قرار دهیم و سیاست‌های کلان و برنامه‌های خود را همسو و مطابق آن تغییر دهیم و اجرای برنامه‌ها را هم بر اساس شاخص‌های آنها پیاده کنیم. بر اساس عبارات متعدد در متن سند جهانی «آموزش ۲۰۳۰» و سایر بیانیه‌ها و اسناد پیشین مرتبط (همانند «توافق‌نامه مسقط»)، کشورهای پذیرنده این اسناد، «متعهد» و «موظف» شده‌اند «تا اهداف جهانی را در اهداف، سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات ملی چرخه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع خود ادغام کند» و ضمن حفظ ساختارهای موجود خود، آنها را با برنامه آموزش ۲۰۳۰ انطباق دهند. در متن آموزش ۲۰۳۰ حداقل ۲۳ بار در صفحات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۵۷، ۶۳، ۶۷، ۷۲ و ۷۳ از تعهد کشورها به انجام اقدامات مختلف یاد شده است. شاهد این نکته بند نخست مصوبه هیئت دولت در تاریخ ۹۵/۶/۲۵ است که تصریح می‌کند «به منظور هماهنگی و ارائه راه‌کارهای تحقق اهداف و تعهدات برنامه آموزش ۲۰۳۰، همسو با اهداف و تعهدات برنامه اهداف توسعه پایدار، کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ تشکیل می‌گردد». از این‌رو، برای نمونه، اگر در متن قرآن مسئله‌ای در مغایرت با سند ۲۰۳۰ وجود داشت، باید کنار گذاشته شود؛ چراکه قانون پیوستن به یک معاهده بین‌المللی این است که آن اصل قرار می‌گیرد و قوانین دیگر در تطابق با آن تغییر کنند.

افزون بر این، دولت‌ها مجری و متولی بومی‌سازی سند ۲۰۳۰ هستند؛ زیرا بن مایه آموزش ۲۰۳۰ در درون کشورها قرار دارد. دولت‌ها، نقش مهمی در تحقق حق آموزش دارند. ضمن اینکه به‌عنوان متولیان و مجریان، تأمین‌کننده‌های مالی این نوع آموزش نیز هستند. دولت‌ها باید بر فرایند آموزش، نظارت راهبردی داشته باشند و در حفظ و تقویت این نظارت بکوشند. دولت‌ها باید در فرایند بومی‌سازی و اجرای اهداف اصلی و ویژه آموزش ۲۰۳۰، بر مبنای تجارب و اولویت‌های ملی دخیل باشند. از این‌رو، از آنجاکه مسئولیت اصلی این پایش، بر عهده دولت‌هاست، این کشورها باید در زمینه ایجاد سازوکارهای مؤثر برای پایش و پاسخ‌گویی اقدام کنند. این سازوکارها باید در مشاوره با جامعه مدنی ایجاد شوند (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۵: ۳۶).

این در حالی است که در نظام ج.ا.ا. افزون بر بخش مربوط به امور فرهنگی، علمی و فناوری در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، اسناد بالادستی کاملاً مرتبطی نیز در این حوزه وجود دارد که در تعارض با سند ۲۰۳۰ قرار دارد. برخی از این اسناد عبارتند از:

۱. سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)؛
۲. سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ابلاغی مقام معظم رهبری؛
۳. سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی؛
۴. نقشه جامع علمی کشور؛ ابلاغی ۱۳۹۳/۴/۹ توسط رهبر فرزانه انقلاب.
۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ در شورای عالی انقلاب فرهنگی).

۳-۳- پذیرش سلطه فرهنگی غرب

پذیرش سند ۲۰۳۰ یونسکو، مستلزم دور شدن از آموزه‌های اسلامی، معارف قرآنی و بسیاری از ارزش‌های اسلامی است؛ چرا که روح حاکم بر سند ۲۰۳۰، جهانی‌سازی فرهنگ غرب و توسعه سلطه فرهنگی غرب بر کشورها است. طبق این سند، یونسکو به‌عنوان مرکزی ذی‌صلاح برای تدوین و اجرای برنامه جهانی آموزش، در تحقق توسعه پایدار جهانی پذیرفته شده است. به گونه‌ای که این سند جهانی، تعهدات و الزاماتی را برای کشورهایی که آن را بپذیرند، به دنبال خواهد داشت و عدم پایبندی به آنها، پیامدهای ناگواری به دنبال دارد. افزون بر این، آموزش شهروندی جهانی، مستلزم گذر از بسیاری از ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در سطح خانواده، مدرسه و جامعه و پذیرش حاکمیت فرهنگ لیبرالی غرب است. هدف سند ۲۰۳۰، که به صراحت در متن آن آمده است، جهانی‌سازی فرهنگ غربی، و دگرگون‌سازی جامعه بشری بر اساس فرهنگ اومانیستی غربی است.

سند ۲۰۳۰ با استفاده از عناوینی مانند «ترویج شیوه‌های زندگی پایدار»، «تساوی جنسیتی»، «ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت»، «شهروندی جهانی»، «احترام به تنوع فرهنگی» و «همکاری‌های بین‌المللی برای تربیت معلم» در کشورهای در حال توسعه (ر.ک: اهدا: ۱-۵-۱۶)، در پی رواج فرهنگ و سبک زندگی غربی و کم‌رنگ نمودن دین در مدارس است. این هدف با شیوه تغییر محتوای کتب آموزشی مدارس و آموزش معلمان زیر نظر سازمان غربی یونسکو اجرا می‌شود.

در حالی در منطق قرآن، سلطه بیگانگان بر مسلمین مردود است. افزون بر اینکه، آیات قرآنی مسلمانان را از دوستی با کفار نهی کرده است. برخی آیات در این باب، عبارتند از:

- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳)؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

- «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [اتسلطی] قرار نداده است.

همچنین، برخی آیات قرآنی که به استقلال و عدم اعتماد و اتکاء بر کفار تأکید می‌کند عبارتند از:

- «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران: ۲۸)؛ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود) مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقيّه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست.

- «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُوا عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹)؛ همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟!

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ تُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۴۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل،) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (مائده: ۵۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه‌گاه خود،) انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُوبَكُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده: ۵۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند- از اهل کتاب و مشرکان- ولی خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید.

- «وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (مائده: ۸۱)؛ و اگر به خدا و پیامبر و آنچه بر او نازل شده، ایمان می‌آوردند، (هرگز) آنان [کافران] را به دوستی اختیار نمی‌کردند ولی بسیاری از آنها فاسقند.

۳-۴- حذف بسیاری از ارزش‌های دینی، فرهنگی و ملی از متون آموزشی

تأکید بسیاری از بندهای این سند، از جمله پذیرش «برابری»، «تفکیک» و «آموزش» جنسی، مستلزم حذف بسیاری از قوانین اسلامی از متون درسی نظام آموزشی و گنجاندن آموزش‌های جنسی غربی است. فرهنگ جنسیتی غرب و شیوه‌های آموزش جنسی غربی، مغایر با ارزش‌های اسلامی است. برای نمونه، مراد از «کودک» در اسناد، میثاق و کنوانسیون‌های بین‌المللی، نه کودک ۵، ۶ ساله در منابع و آموزه‌های دینی، بلکه افراد زیر ۱۸ سال می‌باشد. این اختلاف برداشت، ما را موظف می‌کند که اختلاط دختر و پسر را در همه سطوح آموزشی بپذیریم. افزون بر این، پذیرش همجنس‌گرایی، برابری جنسیتی در همه عرصه‌ها، و حتی آموزش جنسی را در نظام آموزش رسمی پذیرا باشیم.

با نگاهی اجمالی، در رویه نهادهای بین‌المللی مصادیقی از حذف ارزش‌های دینی عبارتند از:

۱. مخالفت کمیته منع تبعیض علیه زنان، با واژه «عدالت جنسیتی» و منع کشورهای عضو از کاربرد این اصطلاح (پیوست ۲، ص ۴).

۲. جرم‌زدایی از جرایم جنسی: زنا و... (پیوست ۱، ص ۱۷).

۳. توسعه قلمرو اصل تبعیض به همجنس‌گرایان (پیوست ۲، ص ۷ و ص ۸).

۴. جرم‌زدایی و منع تبعیض علیه زنان همجنس‌گرا و شاغل در فحشا و روسپیگری (پیوست ۳، ص ۴۲).

۵. منع مداخله شوهر در امر باروری و فرزندآوری (پیوست ۲، ص ۲۳).

۶. منع مداخله شوهر در سقط جنین (پیوست ۲، ص ۲۳).

۷. نسخ و ملغی نمودن قوانین محدودکننده سقط جنین (پیوست ۱، ص ۲۰ و ۲۲).

۸. منع لزوم اذن شوهر برای دریافت گذرنامه (پیوست ۲، ص ۹).

۹. اعتراض به لزوم اذن شوهر در خروج از منزل (پیوست ۱، ص ۲۱).

۱۰. تأکید بر افزایش سن دختران به ۱۸ سال در ازدواج (پیوست ۱، ص ۲۳).

۱۱. جرم‌انگاری و مجازات برای ازدواج دختران زیر هجده سال (پیوست ۱، ص ۲۳ و ۲۴).

۱۲. اعتراض به عدم برابری زن و شوهر در طلاق، حضانت فرزند، ارث (پیوست ۱، ص ۲۱).

۱۳. نهادینه کردن تجاوز جنسی زناشویی در روابط زوجین (پیوست ۱، ص ۱۸ و ۱۹).

با اندک تأمل در بندها و گزاره‌های فوق، که در سند ۲۰۳۰ و یا در میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مطرح می‌باشد، تضاد و تعارض جدی آنها با مبانی دینی به دست می‌آید.

افزون بر این، واژه «نهی خشونت»، و توصیه به پذیرش «تنوع فرهنگی» در اسناد بین‌المللی، کلیدواژه‌ای در غرب برای زدودن همه آثار و نمادها و ارزش‌های دین است. از این جمله، کنار گذاشتن حق دفاع مشروع مظلوم، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، آمادگی برای دفاع از کبان دین و نظام اسلامی، حذف بسیج دانش‌آموزی، دانشجویی و کاهش عنصر مقاومت و... است. از این‌رو، حذف روز ملی مبارزه با آمریکا، روز قدس، هفته دفاع مقدس، درس شهید فهمیده، و... از فرهنگ جامعه دینی و متون آموزشی امری عادی است. افزون بر این، پذیرش «تسهیل پایش پدیده حذف اجتماعی در آموزش»، به معنای تسلیم در برابر گروه‌های غیرقانونی و پیروان فرق ضاله و انحرافی و تسلیم شدن در برابر خواسته‌های آنهاست. با سند ۲۰۳۰ حتی باید عقاید انحرافی مانند بهائیت و همجنس‌بازان و رفتار انحرافی آنان را، که قرآن کریم با آن برخورد شدید کرده مانند قوم لوط، تحت عنوان «تنوع فرهنگی»، به رسمیت شناخت. (محمدی، ۱۳۹۵: ۵۵)

۳-۵- پذیرش رسمی نفوذ غرب در ارکان نظام اسلامی

واژه «آموزش بین فرهنگی» در سند ۲۰۳۰، به دنبال ترویج تساهل و تسامح فرهنگی غربی است. در واقع، این سند ابزاری برای تحقق و روان‌سازی پروژه «نفوذ» غربی در ارکان نظام اسلامی است؛ چرا که از یک سو، در این سند، نظارت جهانی بر توسعه پایدار نظام آموزشی پذیرفته شده است. پذیرش «نظارت جهانی»، یعنی دخالت در امور داخلی و کاپیتولاسیون فرهنگی. این، یکی از بزرگترین پروژه‌های سازمان ملل متحد برای مهندسی فرهنگی و تغییر در سطح جهان است که در امتداد پروژه‌هایی جهانی‌سازی و نفوذ نرم صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، الزام دولت‌ها به «راهبرد پاسخگویی و اقدام دولت»، شناسایی منافذ ورود دشمن از سوی سازمان‌های جهانی است. (کدخدایی، ۱۳۹۵: ۹۴)

در نظام حقوق بین‌الملل بشر معاصر، گزارش‌دهی دوره‌ای دولت‌ها، به‌عنوان یکی از سازوکارها و شیوه‌های «نظارتی» عملکرد دولت‌ها در اهتمام به اجرای مفاد کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشری مورد تأکید قرار دارد. گزارش دولت، توسط نهاد نظارتی ذیربط مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و گزارشی با عنوان یا «ملاحظات نهائی» از سوی آن منتشر می‌گردد که حاوی نقطه نظرات نهاد حقوق بشری در مورد عملکرد همان دولت می‌باشد. این موضوع حائز اهمیت است؛ چرا که تا حدودی جنبه الگودهی دارد و به‌منزله نقشه راه مطلوب برای نهاد مربوط، مورد توجه قرار می‌گیرد. نکته بسیار مهم، استناد و ارجاع مستقیم نهادهای بین‌المللی نظارتی، به نظریات تفسیری خود، علی‌رغم تصریح به ماهیت غیرالزام‌آور آنها است. برخی از این مراکز مهم، افزون بر سند و معاهده بین‌المللی ۲۰۳۰، عبارتند از:

۱. کمیته حقوق کودک: CRC نهاد نظارتی بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک؛
۲. کمیته حقوق بشر: HRC نهاد نظارتی بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی؛
۳. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: ICESCR نهاد نظارتی بر اجرای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛
۴. کمیته منع تبعیض علیه زنان: CEDAW نهاد نظارتی بر اجرای کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛

در همین زمینه رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

من محاسبه می‌کردم با خودم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و دارند عمل می‌کنند. همین حالا دارند عمل می‌کنند. یکی، راه علمی است. از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با

دانشجو، کنفرانس‌های به ظاهر علمی، ولی در باطن برای نفوذ افراد امنیتی را اینجا می‌فرستند. این یکی از راه‌هاست. یکی از راه‌ها، راه‌های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم دستگاه‌های امنیتی را به‌عنوان یک فرد صاحب هنر برای فرض کنید، جشنواره موسیقی معین می‌کنند که بفرستند... یعنی به‌عنوان حضور در یک جشنواره هنری کسی را انتخاب می‌کنند که این آدم، صد درصد سیاسی و امنیتی است. به‌عنوان فرد هنری اینجا می‌فرستند. خوب، برای چه می‌فرستند؟ (دیدار با خبرنگار رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

- موارد بسیاری از دخالت صریح در کشورها در جای جای سند ۲۰۳۰ تصریح شده است. برخی از اینها عبارتند از:
- «ایجاد نظام‌های حفاظتی، اجتماعی و برنامه‌های اجرایی نهادهای بین‌المللی در کشورها»؛
 - «ایجاد بانک‌های ژنوم گیاهی و حیوانی (ترویج محصولات تراریخته) در کشورهای در حال توسعه و به دست گرفتن قوانین صادرات کشاورزی کشورها توسط سازمان تجارت جهانی»؛
 - «اجرای برنامه‌های بهداشتی» (هدف: ۲ و ۶). مانند بهداشت باروری با سیاست کاهش جمعیت در کشورهای در حال توسعه، ترویج آموزش جنسی میان کودکان و نوجوانان و جرم دانستن ازدواج زیر ۱۸ سال و... .
 - «ترویج رشد اقتصادی پایدار و کار شایسته» (هدف: ۸)، از بین بردن استقلال اقتصادی و اجتماعی کشورها.
 - «ارتقای زیرساخت‌های تاب‌آور و صنعتی فراگیر» و «بازبینی و پیگیری» (هدف: ۹)، که لازمه آن، نظارت سازمان‌های بین‌المللی است. این امر موجب نفوذ کامل سازمان‌های بین‌المللی تحت نفوذ کشورهای غربی، و دسترسی آسان غربی‌ها، به اطلاعات صنعتی کشورها می‌باشد.
 - «تبدیل شهرها به مکان‌های همه شمول، امن و مقاوم» (هدف: ۱۱)، اجرای طرح‌ها و اتخاذ سیاست‌های یکپارچه، برگرفته از اسناد بین‌المللی، موجب تسلط سازمان‌های بین‌المللی تحت نفوذ غرب بر ساخت و ساز شهرها و جوامع و آگاهی کامل بر اطلاعات جغرافیایی آنها می‌شود.
 - دستیابی به اطلاعات کشورها و دست‌اندازی به بسیاری از مناطق با عنوان «ارتقای بوم سازگان‌های زمینی و مدیریت جنگل‌ها و جلوگیری از تخریب تنوع زیستی» (هدف: ۱۲ و ۱۱)، بیانگر نفوذ سازمان‌های بین‌المللی و استعمارگران در کشورها است.
 - رواج روحیه تسلیم در مقابل بیگانگان، و اطاعت‌پذیری وانفعال کشورها در برابر سلطه استعمارگران غربی با عنوان «ایجاد جوامع صلح‌جو و فراگیر» (هدف: ۱۶)، «ترویج حاکمیت قانون بین‌المللی»، در حقیقت بهانه‌ای برای تسلط کشورهای استعمارگر است.
 - تضمین تسلط کامل سازمان‌های بین‌المللی وابسته به استعمارگران بر کشورها با عنوان «تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای توسعه پایدار» (هدف: ۱۷)، بیانگر تسلط کامل بر کشورها است که راهکارهایی هم برای آن ارائه شده است. از جمله: در اختیار گذاشتن کامل اطلاعات همه کشورها به سازمان‌های بین‌المللی و الکترونیکی کردن آنها به بهانه کم کردن بار گزارش‌دهی دولت‌ها؛ و تعهد به بازبینی و پیگیری سازمان‌های بین‌المللی از روند اجرای سند ۲۰۳۰.
 - نفی حاکمیت ملی و وابستگی در تصمیم‌گیری‌های کلان، از جمله پیامد پذیرش این سند است. هر چند در این سند، از واژه «حاکمیت مستقل» استفاده می‌کند، اما بلافاصله چند خط بعد، با عنوان واژه‌هایی مانند «تعهد به حقوق بین‌الملل» و «دستور کار»، به طور کامل واژه حاکمیت مستقل را نفی و نقض می‌کند. (عسگری، ۱۳۹۷: ۳۳)

۴- نقد و بررسی سند ۲۰۳۰

۴-۱- چالش با مبانی اندیشه اسلامی

چالش با مبانی اسلامی از جمله لوازم پذیرش سند ۲۰۳۰ است؛ زیرا بر اساس این سند، تحول و نوسازی نظام آموزشی کشور، نه بر اساس فلسفه تربیت اسلامی، بلکه باید مبتنی بر فلسفه تربیتی غرب شکل گیرد. افزون بر اینکه مطابق این سند، ابتدای شاخص‌های پایش و ارزیابی تحول و نوسازی نظام آموزش کشور، باید بر اساس شاخص‌ها و استانداردهای بین‌المللی باشد. این به معنای این است که شاخص‌ها و استانداردهای ملی و بومی بی‌معنا و نامعتبرند. (ربانی، ۱۳۹۶: ۶۶)

- مفهوم «برابری جنسیتی» و «ضرورت توجه به برابری جنسیتی»، علاوه بر اینکه نباید موجب نقض حقوق بشر شود، فوایدی و مزایای اجتماعی و اقتصادی در زمینه آموزش دختران و زنان... دارد (هدف: ۴-۵)، از نظر انطباق با موازین شرعی و قوانین داخلی، محل بحث و تأمل جدی است.

- در این سند به عناوینی مانند «پایان دادن به همه اشکال تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا»، «ریشه‌کنی انواع خشونت علیه زنان و دختران»، «در اختیار قرار دادن فرصت‌های برابر با مردان و دسترسی به بهداشت باروری و جنسی»، اشاره شده است. کمیته رفع تبعیض، که بر روند اجرای اسناد بین‌المللی نظارت می‌کند، مصداق‌های تبعیض را موارد زیر می‌داند: حجاب، جُرم‌انگاری روابط جنسی، جُرم‌انگاری و عدم آزادی همجنس‌گرایی، مخالفت با سرپرستی شوهر در زندگی، قوانین محدودکننده سقط جنین و بسیاری دیگر (کمیته رفع تبعیض...، ۲۰۱۳، پاراگراف ۴). این امور جملگی مخالف صریح احکام قطعی اسلام است.

- این گزاره در سند ۲۰۳۰ که «تفکیک جنسیتی در محیط آموزش مصداق خشونت جنسیتی است» و تأکید بر حنسیت‌محور بودن فضاهای آموزشی، ناظر بر اختلاط است. درحالی‌که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، با توجه به تفاوت‌های جنسیتی، باید به دختران و پسران برای نقش‌پذیری بهینه در آینده در خانواده آموزش‌های لازم و مستقل جداگانه داده شوند. درحالی‌که از منظر اسناد و نهادهای بین‌المللی، تفکیک جنسیتی یکی از مصادیق اعمال تبعیض جنسیتی و خشونت جنسی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد، هدف از آموزش زنان و دختران برای تحقق برابری جنسیتی، نگاه ابزاری به زن و ابزار شدن زنان برای التذاذ مردان است. درحالی‌که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، باید به تناسب تفاوت‌ها و ویژگی‌های طبیعی دختران و پسران، امکانات آموزشی متناسب ارائه شود و جداسازی آموزش دختران و پسران، یکی از اقدامات مؤثر در جهت تضمین برخورداری دختران از حقوق و نیز پیشگیری از ارتکاب اشکال مختلف خشونت علیه دختران توسط گروه همسالان پسر می‌باشد. برای نمونه، در رویه نهادهای بین‌المللی، مفهوم «کلیشه‌های جنسیتی»، ناظر بر هرگونه نقش‌پذیری متفاوت زنان و مردان در خانواده می‌باشد. درحالی‌که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، اساساً یکی از شاخصه‌ها و ملاک‌ها، آموزش کودکان و نوجوان متناسب با ویژگی‌های طبیعی و خلقی است که بتواند زمینه‌سازی نقش‌پذیری بهینه آنان در آینده در عرصه خانواده و اجتماع شود. این نوع نگرش اساساً در مفهوم‌سازی «کلیشه‌های جنسیتی»، در رویه نهادهای بین‌المللی، قابل پذیرش نیست. در سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش»، بر لزوم آموزش دختران و پسران با توجه به ویژگی‌های طبیعی و خلقی تأکید شده است (همان). از این رو، هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی باید بر مبنای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و مفاد سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش صورت گیرد. (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

- در خصوص «آموزش جنسی» هم قطعاً باید هرگونه آموزش در چارچوب موازین اخلاقی، شرعی و قانونی صورت گیرد. در این میان، نباید نقش و جایگاه خانواده را نادیده گرفت و این نقش بر عهده والدین است. اما آموزش جنسی در چارچوب آموزش

رسمی، در عمل منجر به گرفتن ابتکار عمل از والدین در این عرصه است. در سند تحول بنیادین، بر لزوم آموزش دختران و پسران با کارکردهای خانواده و وظایف آن و زمینه‌سازی ایفای بهینه نقش‌های خانوادگی در آینده، توسط آنان تأکید شده است. درحالی‌که مفهوم آموزش جنسی و تنظیم خانواده در رویه نهادهای بین‌المللی، ناظر بر به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های جنسی نامشروع برای نوجوانان است. این امر، قطعاً در تعارض با مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. (کتابی، ایزدی اودلو، ۱۴۰۰: ۱۳۱)

- گزاره «هنجارها و ارزش‌های فرهنگی مانع تحصیل دختران می‌شود» (ر.ک: هدف ۴-۵)؛ با فرض صحت، در مقابل ادعای احترام به فرهنگ‌ها و تکثر فرهنگ‌ها و ارزش‌های حاکم چگونه معنادار است؟ جز اینکه مقصود این است که قائل به فرهنگ واحد جهانی باشیم، فرهنگ‌ها زمانی قابل احترام هستند که زیر چتر فرهنگ جهانی غربی باشند. به عبارت دیگر، باید ارزش‌های برخی فرهنگ‌ها متناسب با ارزش‌های جهانی و در راستای توسعه پایدار معنادار باشد.

- عبارت «ممانعت از ازدواج زودرس، به دلیل دورماندن از تحصیل و آموزش» (ر.ک: کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۹۵: ۲۹ و ۷۵)، تداوم سناریوی افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری زنان و خاکستری کردن جمعیت است که در تعارض مستقیم با سیاست‌های کلی نظام در خصوص رویکرد جمعیتی است.

۴-۲- چالش‌های حقوقی و امنیتی

تبادلات و تعاملات اطلاعاتی و انسانی بر اساس پروتکل‌های بین‌المللی، خطر ایجاد نفوذ عناصر بیگانه و افشای نظام‌مند اطلاعات حساس نظام‌های آموزشی و علم و فناوری کشور برای بیگانگان را به دنبال دارد. تسلط بیگانگان بر مرزهای آبی کشورها، با عنوان «تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت» (هدف: ۶)، از جمله چالش‌های امنیتی است. «مدیریت پایدار منابع آب مشترک یا بین مرزی» (همان)، عنوانی در سند می‌باشد که نتیجه آن تسلط بر مرزهای آبی کشورها است. پرداختن و ارجاعات به اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان ملی به صورت نمادین و نمایشی، در مقابل مبنای عمل قرار گرفتن اسناد و توافقات بین‌المللی در برنامه‌ها، از جمله چالش‌های حقوقی در سند آموزش ۲۰۳۰ است. (پورحسن و فالحی، ۱۳۹۲: ۵۰)

- عبارت «تربیت مربی» و انطباق این بحث بر مبنای رویه نهادهای بین‌المللی، با قوانین و سیاست‌های کلی داخلی تردید وجود دارد. تربیت معلمان و مربیان کارآمد، قطعاً یکی از بنیان‌های اصلی اصلاح و تحول در نظام آموزش و پرورش است، اما نکته مهم این است که هرگونه آموزش و توان افزایی، به لحاظ شکلی و ماهوی، باید در چارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی صورت گیرد. هرگونه تحمیل تعهد قابل پذیرش نیست. این مهم دارای پیامدهای ناگواری و حفره‌های امنیتی است؛ چرا که تمرکز بسیار دقیق بر پاشنه آشیل نظام تعلیم و تربیت یعنی «تربیت معلم» (هدف: ۴-ج) و «رقابتی کردن تربیت معلم» (همان)، به منزله «برون‌سپاری» این امر است و برای غلبه بر چالش فقدان زیرساخت مدیریت دانش، ما نیازمند جذب معلم از خارج از کشور خواهیم شد. (همان: ۱۲۰)

- «بازبینی محتوا و کتب درسی» مطابق با رهیافت این سند محل تأمل جدی قرار دارد. محتوای آموزش در نظام آموزش و پرورش ج.ا.ا. باید تضمین‌کننده تحقق وضع مطلوب زندگی بشر باشد. البته این وضعیت مطلوب، با محتوای مدنظر نهادهای بین‌المللی بسیار فاصله داشته، و با مبانی سکولاری نهادهای بین‌المللی در تعارض می‌باشد.

- عبارت «راهبرد پاسخگویی و اقدام دولت» در سند هرگز قابل پذیرش نیست؛ اینکه همه دولت‌ها یکپارچه در قبال معاهدات حقوق بشری از جمله کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و توافق‌نامه‌ها و پروتکل‌ها ملتزم و متعهد به پاسخگویی شده اند. افزون بر اینکه، مبنای تعهد و پاسخگویی دولت ج.ا.ا. به طور شفاف و دقیق مشخص نمی‌باشد؟ در سند ۲۰۳۰، از دولت‌ها درخواست شده است که برای تحقق برابری جنسیتی، در کلیه برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی، تضمین داده، ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری لازم را اتخاذ نمایند. این امر، نهادینه‌سازی پروژه نفوذ است که از نظر امنیتی قابل پذیرش نیست.

- تحقق اجرای سند ۲۰۳۰، مستلزم همکاری و التزام‌پذیری دولت‌ها است. هر چند سند به لحاظ حقوقی، اساساً واجد خصیصه الزام‌آور بودن نمی‌باشد و صرفاً نهادهای بین‌المللی با ایجاد یک جریان‌سازی خلاف واقع، درصدد تحمیل تعهدات بین‌المللی بر دولت‌ها هستند، اما این تعبیر که «لازم است تا دولت‌ها از همسو بودن سیاست‌گذاری‌های انجام شده با تعهدات قانونی خود برای رعایت حق آموزش، حفظ و تحقق این حق اطمینان حاصل نمایند»، حکایت از الزام دولت به سند ۲۰۳۰ دارد. افزون بر این، در عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص معاهدات که حاکم بر همه معاهدات است، در بند ۱ ماده ۲ تصریح می‌کند: «معاهده عبارت است از: یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده باشد». ماده ۷ کنوانسیون وین نیز می‌گوید: صرف یک عمل و رفتار در پذیرش مفاد یک قرارداد، دال بر رضایت در یک معاهده بین‌المللی است و مسئولیت‌های حقوقی به همراه خواهد داشت. در واقع «عمل به جای رضایت مکتوب مسموع» است. بر اساس ماده ۲۵ معاهده وین نیز این سند دارای خصیصه الزام‌آوری است. این موضوع، از نظر حقوقی قابل پذیرش نیست و با استقلال دولت‌ها در تعارض می‌باشد. (اشتریان، ۱۳۹۱: ۷۶)

- «ارسال گزارشات دقیق از مجاری متفاوت به یونسکو»، دقیقاً تکمیل پازل پروژه نفوذ می‌باشد و از نظر بعد امنیتی، موجب گسل و گسست در ارکان نظام ج.ا.ا. است.

۴-۳- چالش با فلسفه ارسال رسل و تشکیل حکومت

افزون بر اشکالات فوق، سند ۲۰۳۰ با روح اسلام، رسالت انبیاء و فلسفه تشکیل حکومت در اسلام در تعارض است. با نگاهی اجمالی و مقایسه‌ای به هدف از «سیاست» و تشکیل «حکومت» در دنیای معاصر و اسلام، به نوعی تلقی متفاوت از حکومت در اسلام و سایر مکاتب معاصر برخورد می‌کنیم. اجمالاً، می‌توان به پنج نوع تلقی از تشکیل حکومت و سیاست اشاره کرد: سیاست به منزله کوشش برای کسب قدرت (آرون: ۱۵)؛ سیاست به منزله مطالعه دولت (کلايمر، ۱۳۵۱، ج ۲: ۳)؛ سیاست مجموعه تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند (بخشی، ۱۳۸۳: ۲۰۲)؛ سیاست «کاربرد قدرت» و یا «پیکار بر سر قدرت» است (علی‌بابائی، ۱۳۶۹: ۲۵۴)؛ سیاست به صلاح بازآوردن مردم است به وسیله ارشاد ایشان به راه نجات در دنیا و آخرت، و آن از سوی انبیاء برای خاصه و عامه در ظاهر و باطن است و... (حلبی، ۱۳۸۳: ۶۱).

از میان فلسفه‌های فوق برای تشکیل حکومت در دنیای معاصر، قطعاً در اسلام جز معنای اخیر پذیرفتنی نیست. وظیفه دولت اسلامی هدایت و تربیت و به صلاح واداشتن مردم است. حکومت اسلامی باید نگران دنیا و آخرت مردم باشد. از نظر بنیانگذار نظام اسلامی، امام خمینی (ره) سیاست همان هدایت دینی جامعه از طریق اصلاح خلق در بعد وسیع آن است: سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد. تمام مصالح جامعه را مد نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان است. صلاح ملت است، صلاح افراد است و این مختص انبیاء است و دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص انبیاء و اولیاء است و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام (امام خمینی، ج ۱۳: ۲۱۷).

امیرمؤمنان، علی ع به زیبایی تمام همین معنا را بیان می‌کنند:

خداوند تو می‌دانی اقدامی که از ما برای به دست آوردن زمامداری انجام گرفت، برای رقابت در به دست گرفتن سلطه و خواستن متاع ناپایدار دنیا نبود، بلکه برای این بود که به اصول و حقایق دین تو وارد شویم و در شهرهای تو اصلاح انجام دهیم، تا بندگان ستمدیده‌ات در امنیت قرار گیرند و حدودی را که برای حیات مادی و معنوی بندگان مقتدر فرموده‌ای، بر پا سازیم (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱: ۱۸۸).

هدف از تشکیل حکومت در اسلام، برخلاف دیدگاه مادیون، که صرفاً تأمین نیازمندی‌های مادی انسان را هدف خود قرار داده‌اند، انبیاء الهی، بخصوص پیامبر بزرگ اسلام، بر این باور بودند که حکومت، علاوه بر تأمین مصالح و نیازمندی‌های مادی، باید درصدد تأمین مصالح معنوی نیز باشد. حتی تأمین مصالح معنوی، اهم و ارجح و مقدم بر تأمین مصالح مادی است؛ زیرا قرب به خدا هدف نهایی خلقت است، و مجهز شدن انسان به ابزار معنوی، تنها راه کسب این مقام است و تأمین نیازمندی‌های مادی، مقدمه آن خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۹).

با مراجعه به قرآن کریم و معارف اهل بیت ع، اهداف تشکیل حکومت در اسلام را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد: اجرای قسط و عدالت (حدید: ۲۵)؛ زمینه‌سازی برای تربیت، تزکیه نفس و رشد جامعه در جنبه‌های علمی و اخلاقی (آل عمران: ۱۶۴)، ابلاغ معارف الهی و دینی به مردم (توبه: ۳۳)؛ توسعه و رشد اقتصادی، عمران و آبادی جامعه و بلاد (نهج البلاغه، نامه به مالک اشتر)؛ بسترسازی بندگی خدا و سیر الی‌الله و تکامل انسانی و رسیدن به مقام قرب الهی که هدف تربیت انسان است (حج: ۴۱؛ نحل: ۳۶).

بنابراین، با اندک تأمل باید گفت: اساس و فلسفه ارسال رسل و بعثت انبیاء و نیز تشکیل حکومت در اسلام، وسیله‌ای برای اجرای احکام و حدود الهی، تحقق ارزش‌ها و هنجارهای دینی، هدایت و راهبری مؤمنان به سمت و سوی تربیت دینی، برقراری عدالت اجتماعی و فراهم آوردن زمینه رشد و تعالی انسان‌هاست. از یک سو، حکومت و رهبری، امانت و مسئولیتی الهی است و وظیفه کارگزاران نظام سیاسی در اسلام، نقش هدایت‌گرایانه و الگویی دارند. از سوی دیگر، مردم در نظام سیاسی اسلام، علاوه بر پذیرش ولایت الهی، باید با مشارکت و همکاری و ایفای نقش مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر، پاسدار ارزش‌های اسلامی باشند (مرزوقی، ۱۳۷۹: ۴۰).

ازاین‌رو، با عنایت به اهداف، رسالت، فلسفه و کارکردهای نظام سیاسی در جامعه، نقش بی‌بدیل نظام سیاسی در جامعه‌پذیری دینی و تربیت سیاسی افراد، و نقش برجسته و تعامل دو سویه نظام سیاسی و نظام تعلیم و تربیت آشکار می‌گردد. در جهان‌بینی اسلامی، هدف غایی و آرمانی، هدایت و رشد الهی انسان است. این هدف و جهت‌گیری باید در همه شئونات حکومتی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی تبلور یابد. نیل به چنین جامعه‌ای مطلوب و آرمانی، تنها با تکیه بر بنیاد تربیت صحیح امکان‌پذیر است و اساساً رمز پایداری و ماندگاری حکومت‌ها در گرو تربیت است؛ یعنی آموزش و پرورش شهروندان هر حکومت، باید متناسب با مبانی و اصول آن انجام پذیرد (عنایت، ۱۳۵۱: ۳۲۷). حکومت، قانون اصلی و محور گردان زندگی اجتماعی است. کار ویژه نظام سیاسی، تربیت شهروندان و هدایت آنان و تربیت دینی شهروندان است.

بر اساس آنچه از محتوای سند ۲۰۳۰ گذشت، تضاد آشکار این سند با فلسفه تشکیل حکومت و ارسال رسل آشکار می‌گردد. تربیت شهروندان باید بر اساس مبانی اندیشه‌ای و دینی و آموزه‌های قرآنی صورت گیرد، نه بر اساس مبانی اومانیستی و سکولاری.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با واکاوی مفهومی اسناد مورد مطالعه، مشخص شد؛ سند آموزشی ۲۰۳۰ با مشارکت سازمان یونسکو و توسط کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ تهیه، و توسط دولت تصویب و جهت اجرا ابلاغ گردید. درحالی‌که در سال ۱۳۹۰، تدوین سیاست‌های کلان آموزشی در ایران تحت عنوان «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، تدوین و توسط رهبر فرزانه انقلاب به‌عنوان اسناد بالادستی نظام آموزشی، در نظام جمهوری اسلامی ایران ابلاغ گردید.

با مقایسه این دو سند و نیز مراجعه به آموزه‌های دینی و معارف ناب اهل‌بیت، پذیرش سند ۲۰۳۰ یونسکو، دارای پیامدهای زیر است: پذیرش سند ۲۰۳۰، به‌عنوان میثاق بین‌المللی و سند بالادستی، پذیرش عملی سلطه فرهنگی غرب، متعهد شدن به حقوق بین‌الملل بشر، پذیرش برابری جنسیتی و حذف موانع آموزش جامع جنسیتی، حذف بسیاری از ارزش‌های دینی، فرهنگی و ملی از متون آموزشی، پذیرش رسمی نفوذ غرب در ارکان نظام اسلامی. در بررسی چالش‌های موجود نیز عمده‌تاً می‌توان به چالش این سند با مبانی اندیشه اسلامی، چالش‌های حقوقی و امنیتی و چالش با فلسفه ارسال رسل و تشکیل حکومت دینی و... اشاره کرد. در مجموع از اسناد و میثاق‌های بین‌المللی به دست می‌آید که مفاد این اسناد مطابق با فرهنگ مانی اندیشه‌ای سکولاری تدوین و به دنبال جهانی‌سازی فرهنگ سکولاری غربی هستند. اصولاً، پذیرش این‌گونه اسناد، با هیچ منطق دینی مقبول نیست. لازمه حداثی پذیرش این‌گونه اسناد بین‌المللی، پذیرش مشروعیت نهادهای بین‌المللی در تدوین اصول و سیاست‌های کلان برای نظام اسلامی بر اساس مبانی سکولاری آنهاست.

تحقق تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است چرا که در راستای همین تربیت، تربیت تمدنی نیز به نحو احسن شکل گرفته است و از ابعاد و زوایای مختلف بررسی گردیده است. در این مقاله چنین استنباط شد که از منظر سند تحول آموزش و پرورش و با محوریت قراردادن مفهوم تربیت تمدنی چگونگی تحقق تمدن اسلامی بررسی شود و تربیت مبتنی بر جهاد به عنوان بایسته اساسی تحقق تمدن اسلامی مطرح گردید آموزش و پرورش فرایند یادگرفتن دانش و مهارت و یاد دادن آن است. این فرایند از پیدایش انسان بر زمین آیار شده، آرام آرام کاملتر شده و امروزه یکی از پایه‌های اساسی پیشرفت جامعه‌ها شده است. ایرانیان در فرایند پیشرفت آموزش و پرورش، نقش شایسته‌ای داشته‌اند به طوری که شکوفایی تمدن اسلامی تا حدود زیادی وامدار تلاش آموزشگران ایرانی است. از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌سازی در راستای تحقق اهداف متعالی دین اسلام و فرهنگ اصیل ایرانی و تشکیل تمدن نوین اسلامی - ایرانی است. از اهم نهادهای اساسی و زمینه‌ساز در این مسیر، نظام آموزش و پرورش است. نظر به این که، تمدن، محصول دانش و تعالی فرهنگی است و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - ایرانی، مستلزم اجرای همه‌جانبه‌ای اسلام در قالب فرایند نوسازی جامعه از مجرای آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش از طریق تبیین اهداف فردی و اجتماعی در جامعه بر اساس موازین شریعت اسلام، ایجاد آگاهی و گرایش نسبت به اسلام، انتقال ارزش‌ها و آداب اسلامی، ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تربیت اخلاقی، فردی و اجتماعی، تولید علم و فناوری و زمینه‌سازی جهت دستیابی به رفاه نسبی، زمینه‌ی الزم جهت شکل‌گیری تمدن اسلامی - ایرانی را فراهم می‌نماید. بدون تردید در طی چهار دهه حیات مبارک انقلاب اسلامی، گام‌های بلندی در توسعه دسترسی به آموزش و توزیع عادلانه‌تر فرصت‌های آموزشی و کاستن از فاصله‌های قومیتی، جنسیتی و منطقه‌ای در دسترسی به این فرصت‌ها، رشد میزان باسوادی، انتقال ارزش‌ها و باورهای دینی و انقلابی به نسل نو، توجه و تکریم مناسک و شعائر اسلامی و کسب رتبه‌های بالا و مدارج علمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، آشنایی بیشتر با قرآن کریم، عترت و اهتمام به فریضه

نماز، حضور مسئولانه و همدلانه در همه صحنه‌های مهم و تاریخ ساز انقلاب اسلامی، بهبود سلامت جسمی و مراقبت از سلامت روانی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، شناسایی استعدادها و پرورش نخبگان برداشته شده و افتخارات بزرگی حاصل شده است این دستاوردها افتخار آمیز و امیدوار کننده است آنگاه که به وضعیتی می‌اندیشیم که در ابتدای انقلاب شاهد آن بودیم و مسیری که طی کرده ایم ولی آنگاه که به افق‌های دور دست چشم می‌دوزیم و در اندیشه تمدن سازی نوین اسلامی هستیم و می‌خواهیم سرآمد باشیم و تاریخ ساز، الهام بخش و تحول آفرین و می‌خواهیم تشعشع تابناک انوار انقلاب اسلامی کاهنده آلام مردمان باشد و دستگیر محرومان و مستضعفان و سدی استوار در برابر مستکبران و فزونی طلبان، حکایت دیگر است و لااقل این جمع ماموریت دارد که اینگونه بیاندهد و این رسالت بزرگ را تدبیر کند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ارون، ریمون، ۱۳۶۶، مراحل سیاسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، سازمان نشر آموزش انقلاب اسلامی.
۲. اشترینان، کیومرث، ۱۳۸۱ روش سیاستگذاری فرهنگی، تهران، انتشارات کتاب آشنا، چاپ اول.
۳. اشترینان، کیومرث، ۱۳۹۱ مقدمه ای بر روش سیاست گذاری فرهنگی، تهران، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول.
۴. برخورداری، مهین ۱۳۹۰ تبیین وارزیابی چالشهای تربیت مدنی درنظام آموزش و پرورش ایران، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۵. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱ سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش، وزارت آموزش و پرورش
۶. پورحسن، شکوفه و فالچی، فاطمه ۱۳۹۲ جایگاه کرامت انسان در حقوق بشر اسلامی فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۲۳-۱۴۱.
۷. جاویدان، لیال؛ علی اسماعیلی، عبدالله؛ شجاعی، علی اصغر. ۱۳۹۷ تدوین الگوی ویژگی ها و شایستگی های معلمی بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش، پژوهش در نظام های آموزشی، ویژه نامه بهار ۱۳۹۷. ۱۱۳۶-۱۱۲۳.
۸. خامنه ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران، ۱۳۹۶/۳/۳۱.
۹. خامنه ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷.
۱۰. خروشی، پوران؛ نصر، احمد رضا؛ ۱۳۹۴ میر شاه جعفری، سید ابراهیم؛ موسی پور، نعمت الله بررسی رویکرد تربیت معلم شایسته بر اساس اسناد تحولی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، راهبرد فرهنگ، شماره ۳۷، ۱۸۷-۱۶۳.
۱۱. دشتی، محمد ۱۳۸۶ ترجمه و شرح نهج البلاغه، آدینه سبز
۱۲. رابرتسون، رونالد: ۱۳۸۰ جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث.
۱۳. رابرتسون، یان: ۱۳۷۲ درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، نشر آستان قدس رضوی.
۱۴. ربانی، رسول؛ جعفری نژاد، مسعود؛ سبزی پور، حامد ۱۳۸۶ بررسی و تحلیل نقش معلمان بر جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان دوره متوسطه مطالعه ی موردی بخش پیربکران، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۳۰.
۱۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰ وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۶. سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش (سند مشهد مقدس)، وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش، آذرماه ۱۳۹۰.
۱۷. شکوهی، عالم حسین، ۱۳۷۶ مبانی و اصول آموزش و پرورش، به نشر، آستان قدس رضوی
۱۸. شمشیری، بابک؛ کوه گرد، میثم؛ فرقانی، زهرا. ۱۳۹۳ اقتضائات صلح آموزی در دنیای
۱۹. عسگری متین، سجاد، کیانی، غلامرضا ۱۳۹۷ الگوی معیار صلاحیت حرفه ای معلمی در تراز جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۰، ۱۳۴-۱۰.
۲۰. عنایت، حمید، ۱۳۵۱، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب از هراکلیت تا هابز، تهران، دانشگاه تهران.

۲۱. کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آموزش ۲۰۳۰، به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه «چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵»، تهران.
۲۲. کمیسیون ملی یونسکو- ایران، بی‌تا، دگرگون ساختن جهان ما، دستور کار ۲۰۳۰، برای توسعه پایدار، ترجمه مهرناز پیروزی‌نیک، سازمان ملل متحد.
۲۳. کتابی، امیرعلی، ایزدی اودلو، عظیم ۱۴۰۰ حقوق جهانی بشر در اسلام و مقایسه و تطبیق آن با حقوق بشر غرب از دیدگاه علامه جعفری، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره چهارم، صص ۵۳-۳۳.
۲۴. کدخدایی، محبوبه السادات ۱۳۹۵ معلم دانشمند: نگاهی کاستی جویانه به دانش معلم. فصلنامه تربیت معلم فکور، سال دوم، شماره ۲، ۵۰-۳۳.
۲۵. محمدی، شیرکوه؛ کمال خرازی، سیدعلی نقی؛ کاظمی فرد، محمد؛ پورکریمی، جواد ۱۳۹۵ مدیریت آموزشی چند فرهنگی در مدارس ایران، فرا تحلیل کیفی، مدیریت
۲۶. محمدی، غلامعلی؛ جباری، نگین؛ نیاز آذری، کیومرث ۱۳۹۸ توانمندسازی حرفه‌ای معلمان در چشم انداز آینده و ارائه مدل، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۶۹، سال هیجدهم، ۷۰-۳۱.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، نظریه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۲۸. یونسکو: ۱۳۶۸ تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش، پاریس، ۱۹۸۴، ترجمه دکتر محمد علی امیری، دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها، وزارت آموزش و پرورش.
۲۹. یونسکو: ۱۳۷۷ اعلامیه کنفرانس جهانی آموزش و پرورش برای همه، تایلند، ۱۹۹۰، فصلنامه تعلیم و تربیت، تک نگاشت شماره ۱۵، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۳۰. یونسکو: آموزش و پرورش برای قرن ۲۱، ملبورن، گروه مترجمان، تک نگاشت ۲۷.
۳۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸.
۳۲. اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۱۹۹۰.
۳۳. اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹.